

۳۱۴۸۹ نمی توانم باور کنم. او یک سخنرانی یک ساعته ارائه داد و حتی یک بار مکث نکرد تا به یادداشت‌هایش نگاه کند.

- (۱) اصرار کردن، پافشاری کردن
- (۲) تأیید کردن، تصدیق کردن
- (۳) درنگ کردن، مکث کردن، توقف کردن
- (۴) انتخاب کردن، برگزیدن

۴۱۴۹۰ نمی توانی به او تکیه کنی. برای مثال، او دپروز برای یک جلسه مهم یک ساعت دیر رسید.

- (۱) اصل، اساس
- (۲) گزارش؛ ثبت؛ سابقه
- (۳) عملکرد، کاربری
- (۴) نمونه، مثال؛ مورد

◀ برای مثال، به عنوان نمونه: for instance

۴۱۴۹۱ بچه‌هایم دارند من را دیوانه می‌کنند. آن‌ها انگار هیچ وقت به من گوش نمی‌دهند مگر آن‌که سرشان فریاد بزنم.

- (۱) منفجر شدن، ترکیدن
- (۲) پاسخ دادن
- (۳) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استخراج کردن
- (۴) فریاد کشیدن، فریاد زدن

◀ کسی را دیوانه کردن، کسی را سخت عصبانی کردن: drive sb crazy
۲۱۴۹۲ بسیاری از بیماری‌هایی که افراد را در کشورهای در حال توسعه می‌کشند می‌توانند با هزینه بسیار اندک با موفقیت درمان شوند.

- (۱) از لحاظ مالی، از نظر پولی
 - (۲) با موفقیت، به خوبی
 - (۳) شخصاً؛ به طور شخصی، به طور خصوصی
 - (۴) به طور فزاینده، به طرز روزافزون
- ۲۱۴۹۳ وقتی مواد [اولیه] خام یا غذاها فرآوری می‌شوند، به نحوی مناسب برای هدفی خاص تغییر می‌یابند.

- (۱) جایگزین کردن، جانشین کردن؛ سر جای خود برگرداندن
 - (۲) عمل آوردن، فراوری کردن
 - (۳) مدیریت کردن؛ توانستن که، از عهده ... برآمدن
 - (۴) ذخیره کردن، انبار کردن
- ۱۱۴۹۴ انتظار می‌رود این منابع به ساختن ۵,۰۰۰ خانه جدید و پدید آوردن ۲۳,۰۰۰ شغل موقت کمک کند.

- (۱) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن
- (۲) انتخاب کردن، برگزیدن
- (۳) الهام بخشی ... بودن؛ القا کردن
- (۴) قدردانی کردن، تشکر کردن؛ قدر ... را دانستن

۳۱۴۹۵ یک دکتر طب، به خصوص کسی که مهارت عمومی دارد و جراح نیست، پزشک نامیده می‌شود.

- (۱) دانشمند
- (۲) روانشناس
- (۳) دکتر، پزشک
- (۴) مخترع، مبدع

باخ نگران نبود که سایرین موسیقی او را دوست نداشتند. او فقط می‌گفت: «اگر نمی‌توانید همه را با هنرتان یا کارتان خشنود کنید، آن چند نفر را راضی کنید. خشنود کردن عده زیاد بد است.» باخ بر روی بسیاری از آهنگسازانی که بعد از او آمدند، تأثیر بسیاری داشت. اگرچه تصنیف‌های باخ در طول زندگی‌اش محبوب نبودند، بعدها باخ به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آهنگسازان تمام دوران در نظر گرفته شد.

۴۱۴۸۳ کدام یک از موارد زیر کنسرتوهای براندنبورگ باخ را توصیف نمی‌کند؟

- (۱) نمونه‌ای از این که نظرات در مورد باخ چگونه تغییر کرده است
- (۲) بخشی از یک درخواست شغلی که باخ هرگز کسب نکرد
- (۳) یکی از معروف‌ترین آثار او
- (۴) برای نواختن و لذت بردن غیر ممکن

۱۱۴۸۴ چرا نویسنده توصیف می‌کند چگونه موسیقی باخ اغلب دو ملودی داشت؟

- (۱) تا نشان دهد این موسیقی چگونه عمیق و پیچیده بود
- (۲) تا توضیح دهد چرا مردم امروزه از موسیقی‌اش لذت می‌برند
- (۳) تا نشان دهد چرا باخ معلم موسیقی خوبی بود
- (۴) تا به خواننده یاد دهد چگونه دو ترانه را ترکیب کند

۲۱۴۸۵ به احتمال زیاد چرا نویسنده این نقل قول را از باخ می‌گنجاند: «اگر نمی‌توانید همه را با هنرتان یا کارتان خشنود کنید، آن چند نفر را راضی کنید. خشنود کردن عده زیاد بد است.»؟

- (۱) تا نشان دهد باخ نسبت به شاگردانش، معلمی بی‌رحم و منفی بود
- (۲) تا توضیح دهد چرا برای باخ اهمیتی نداشت که در طول زندگی‌اش مشهور نبود
- (۳) تا ایده‌هایی را توصیف کند که به باخ الهام می‌بخشیدند تا کنسرتوهای براندنبورگ را تصنیف کند
- (۴) تا نگرش باخ را توضیح دهد که هنرمندان همه باید رقابت کنند تا بیشترین افراد را خشنود سازند

- ۱۱۴۸۶ این متن عمدتاً در مورد می‌باشد.
- (۱) موسیقی باخ و [این‌که] او چگونه به یاد آورده می‌شود
 - (۲) نظرات افرادی که موسیقی باخ را دوست نداشتند
 - (۳) روش‌هایی که باخ برای تعلیم دادن به شاگردانش استفاده می‌کرد
 - (۴) باخ چگونه یاد گرفت موسیقی بنوازد و تصنیف کند
- ۴۱۴۸۷ رئیس‌جمهور کاملاً از پیشرفت‌های اخیر آگاه شده‌اند.

- (۱) مقایسه کردن با، سنجیدن با
- (۲) مکان‌یابی کردن توسط
- (۳) آزاد کردن در، رها کردن در
- (۴) مطلع کردن از، خبر دادن در مورد، آگاه کردن از

۱۱۴۸۸ ما خوشحال بودیم از این‌که می‌دیدیم اضافه کردن چوب بیشتر به آتش آن را درخشان‌تر و گرم‌تر کرد.

- (۱) اضافه کردن، افزودن
- (۲) تشکیل، شکل گرفتن
- (۳) دکتر، پزشک
- (۴) محل، مکان، موقعیت

۲۱۴۹۶ وقتی تجربه هولناکی مانند آن را از سر گذرانده باشید، زمان زیادی می برد تا بهبود بیابید.

(۱) طبیعی؛ ذاتی

(۲) وحشتناک، هولناک؛ خیلی بد

(۳) مکرر، پی در پی، پشت سر هم

(۴) منفعل، غیرفعال، بی تحرک؛ بدون اختیار

۲۱۴۹۷ کتاب‌های او در کشور خودش یک موفقیت بودند، ولی نتوانستند در خارج توجه زیادی را جلب کنند.

(۱) در داخل، در داخل کشور

(۲) در خارج؛ از خارج؛ به خارج

(۳) ورا، فراتر از

(۴) منطقه‌ای، محلی

۱۱۴۹۸ معلم متن را بارها و بارها توضیح داد تا مطمئن شود که تمام دانش‌آموزان در کلاس می‌توانند آن را بفهمند. "again and again" (بارها و بارها، به کرات) به معنی "repeatedly" است.

(۱) به کرات، بارها و بارها

(۲) ناگهان، به طور ناگهانی

(۳) به طور متفاوتی، به گونه‌ای دیگر

(۴) خیلی، بسیار

۴۱۴۹۹ محصول جدید بیش از سه سال زمان برد تا توسعه بیابد پیش از آن که بتواند در بازار قرار بگیرد (روانه بازار شود).

(۱) کمیت؛ تعداد

(۲) میراث، ارث

(۳) دستورالعمل؛ راهنما

(۴) محصول

۴۱۵۰۰ بسیاری از کودکان [کار] کافی برای انجام دادن در وقت آزادشان ندارند و در این موقع است که به دردرس می‌افتند.

(۱) مکرر، پی در پی

(۲) رحمت، لطف‌الهی

(۳) واقعی، حقیقی

(۴) اضافی، یدکی

spare time: اوقات فراغت

۱۱۵۰۱ او شایسته نمره بالاتری بود ولی آن را نگرفت چون او یک هفته از کلاس‌ها را به دلیل مرضی از دست داد.

(۱) سزاوار ... بودن، لایق ... بودن، شایسته ... بودن

(۲) رحم کردن به؛ معاف کردن از

(۳) فهمیدن، متوجه شدن

(۴) تقویت کردن؛ بهبود دادن؛ بهبود یافتن

۴۱۵۰۲ همسر من گفت که لباس‌هایم را عوض کنم چون فکر می‌کرد من به طرزی مناسب برای مهمانی لباس نپوشیده‌ام.

(۱) به طور جدی، با جدیت

(۲) شخصاً؛ به طور شخصی، به طور خصوصی

(۳) معمولاً، به طور معمول

(۴) به طرزی مناسب، به نحو شایسته‌ای

۲۱۵۰۳ مرد بیمار پاهایش را در آب سرد قرار داد به این امید که آن به پایین آوردن درجه حرارت بدنش کمک کند.

(۱) مقایسه کردن، قیاس کردن، سنجیدن

(۲) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن

(۳) پیش‌بینی کردن؛ پیش‌گویی کردن

(۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن

۱۱۵۰۴ آب‌وهوا در جزیره معمولاً بسیار گرم بود ولی اغلب طوفان‌ها و باران سنگین وجود داشت.

(۱) سنگین، شدید

(۲) قوی، نیرومند

(۳) سخت، دشوار

(۴) [وزن] سبک؛ [رنگ] روشن

heavy rain: باران سنگین، باران شدید

۲۱۵۰۵ تبلیغ در اینترنت، فروش ما را به میزانی که فکر می‌کردیم ممکن است [افزایش دهد]، افزایش نداده است.

(۱) شمردن؛ به حساب آوردن

(۲) افزایش دادن، زیاد کردن؛ تقویت کردن

(۳) انتخاب کردن، برگزیدن

(۴) پایه‌ریزی کردن، بنیاد نهادن

۳۱۵۰۶ برای اجتناب از سرما خوردن، خوب بخور و خواب و ورزش زیاد داشته باش تا مقاومتت را در برابر عفونت حفظ کنی.

(۱) گرفتن؛ بردن

(۲) داشتن؛ خوردن

(۳) گرفتن؛ گیر آوردن

(۴) بالا بردن؛ [بچه] بزرگ کردن

catch a cold: سرما خوردن

۴۱۵۰۷ آن‌هایی که از آموختن دست می‌کشند، فرصت‌های ساختن آینده‌ای معنادار، رضایت‌بخش و شاد را از دست می‌دهند.

(۱) افزایش دادن، اضافه کردن؛ افزایش یافتن

(۲) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استخراج کردن

(۳) اختصاص دادن؛ وقف کردن

(۴) به وجود آوردن؛ پدید آوردن، ایجاد کردن

۱۱۵۰۸ موز، آب پرتقال و خامه ممکن است ترکیب عجیبی به نظر برسد ولی آن‌ها با هم نوشیدنی خوشمزه‌ای می‌سازند.

(۱) ترکیب، مخلوط

(۲) افزایش، اضافه؛ عضو جدید

(۳) مجموعه، کلکسیون

(۴) نسل؛ تولید؛ ایجاد

۱۱۵۰۹ او، پس از آن‌که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد، با هدف خدمت کردن به مردم خودش به وطنش بازگشت.

(۱) زادگاه؛ وطن، سرزمین مادری

(۲) هویت

(۳) [در جمع] متعلقات، اموال منقول

(۴) احترام؛ جنبه، حیثیت

۲۱۵۱۰ دخترش، پس از آن‌که یک نقاشی که کشیده بود برنده جایزه در یک نمایشگاه هنری محلی شد از طرف روزنامه محلی مورد مصاحبه قرار گرفت.

(۱) سزاوار ... بودن، لایق ... بودن، شایسته ... بودن

(۲) مصاحبه کردن با

(۳) اداره کردن، کنترل کردن

(۴) تهیه کردن، فراهم کردن؛ در اختیار گذاشتن

۱۱۵۱۱ مادر از معلم خواست که لطف کند و او را از پیشرفت فرزندش در مدرسه مطلع کند.

(۱) مطلع از، آگاه از

(۲) علاقه‌مند به

(۳) مراقب در مورد ...، محتاط درباره ...

(۴) دوستانه در قبال

۳۱۵۱۲ ما باید به افراد جوان کمک کنیم وقتی که هنوز در مدرسه هستند

حس مسئولیت‌پذیری را [در خود] پرورش دهند.

(۱) طبیعت؛ ماهیت، ذات

(۲) حقیقت، واقعیت

(۳) حس، احساس

(۴) کمیت؛ مقدار؛ تعداد

- ۲۱۵۱۳ پلیس خیلی نگران سلامت نوجوان کم‌سن‌وسالی است که سه روز است از خانه غیبش زده.
- (۱) پا به سن گذاشته، مسن، پیر (۲) نوجوان
(۳) هویت (۴) کودکی
- ۴۱۵۱۴ پژوهشگران دریافته‌اند که یک عملکرد مغز تولید موادی است که می‌توانند سلامت شما را بهبود ببخشند.
- (۱) احترام؛ جنبه، وجه (۲) افزایش، اضافه؛ عضو جدید
(۳) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول (۴) عملکرد، کاربرد
- ۴۱۵۱۵ قبل از خریدن یک فرهنگ لغت جدید برای خودت، تعدادی لغت را در نمونه‌های مختلف پیدا کن تا ببینی کدام یک واضح‌ترین تعاریف را دارد.
- (۱) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول (۲) الهام؛ منبع الهام
(۳) اصل، اساس، مبنا (۴) تعریف
- ۳۱۵۱۶ پس از کار کردن به عنوان کارمند برای سال‌های فراوان، بیل ناگهان تصمیم گرفت [کارش را] رها کند و فروشگاه خودش را باز کند.
- (۱) بارها و بارها، به کرات (۲) با حق‌شناسی، با سپاسگزاری
(۳) ناگهان، به طور ناگهانی (۴) عموماً، به طور کلی
- ۱۱۵۱۷ او نسبت به پولش چندان گشاده‌دست نیست؛ او برای چیزهای ضروری خرج می‌کند ولی به ندرت به افراد نیازمند کمک می‌کند.
- (۱) گشاده‌دست، سخاوتمند
(۲) اجتماعی، معاشرتی
(۳) سستی
(۴) متعهد، دلسوز، پایبند؛ اختصاصی، مختص
- ۱۱۵۱۸ هر سال تعداد زیادی از افراد می‌آیند و به ما کمک می‌کنند و ما سپاسگزار حمایت آن‌ها هستیم.
- (۱) ممنون، سپاسگزار، متشکر
(۲) خلاق، پر از خلاقیت؛ الهام شده
(۳) منفعل، غیرفعال؛ مجهول
(۴) متعهد، دلسوز، پایبند؛ اختصاصی، مختص
- ۴۱۵۱۹ این پروژه طراحی شده است تا حدود ۳۰ مگاوات برق برای شبکه ملی [برق] تولید کند. "generate" (تولید کردن؛ به وجود آوردن) به معنی "produce" است.
- (۱) نصب کردن، کار گذاشتن (۲) ترکیب کردن، آمیختن
(۳) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن (۴) تولید کردن، ساختن
- ۴۱۵۲۰ هرگز راه حل بی‌نقصی برای این موقعیت نخواهد بود چرا که شما نمی‌توانید همیشه همه را راضی کنید.
- (۱) اصل، اساس، مبنا (۲) رحمت، لطف الهی
(۳) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق (۴) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول
- ۴۱۵۲۱ مطالعات علمی اخیر داروهای طبیعی را شناسایی کرده‌اند که می‌توانند به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک کنند.
- (۱) اتفاقی، تصادفی (۲) مکرر، پی‌درپی، پشت سر هم
(۳) خوشبخت، سعادتمند (۴) طبیعی؛ ذاتی
- ۳۱۵۲۲ برای کودکانی که این همه رنج برده‌اند سال‌های زیادی زمان می‌برد تا یاد بگیرند که دوست داشته باشند و متنفر نباشند.
- (۱) احساس کردن (که)
(۲) فاقد ... بودن، نداشتن
(۳) نفرت داشتن از، متنفر بودن از
(۴) توجه کردن به / که، دقت کردن به / که؛ متوجه شدن که؛ یادداشت کردن
- ۴۱۵۲۳ اگر قلبتان مشتاق باشد، هزاران راه می‌سازد، ولی اگر [مشتاق] نباشد هزاران بهانه می‌سازد.
- (۱) عمیق، گود (۲) فعال، کاری، پُرکار
(۳) انعطاف‌پذیر؛ قابل تغییر (۴) علاقه‌مند، مشتاق
- ۱۱۵۲۴ زن جوان از تصادف ماشین دچار ضربه مغزی شد و به سن فکری یک [کودک] پنج‌ساله بازگشت.
- (۱) مغز (۲) ذهن، فکر (۳) سلول (۴) اندام، عضو
- ۳۱۵۲۵ این آثار هنری حائز اهمیت بسیاری برای میراث ملی ایران تلقی می‌شوند.
- (۱) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول (۲) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق
(۳) میراث؛ ارث (۴) ترکیب
- ۳۱۵۲۶ عمده [جمعیت] کشور از کمبود شدید آب رنج می‌برد و مقادیر کمی که تأمین شده برای استفاده انسان مناسب نیست.
- (۱) عمق، ژرفا (۲) کیفیت؛ ویژگی
(۳) نبود، فقدان، کمبود (۴) شکست، عدم موفقیت، ناکامی
- ۲۱۵۲۷ بیزینس من اندرو کارنگی حدود ۳۳۰ میلیون دلار به کتابخانه‌ها، پروژه‌های تحقیقاتی و تلاش‌هایی برای صلح جهانی اهدا کرد.
- (۱) (به زور) گرفتن، بیرون کشیدن؛ استنباط کردن، استخراج کردن
(۲) اهدا کردن، بخشیدن
(۳) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن
(۴) نصب کردن، کار گذاشتن
- ۳۱۵۲۸ معلم علوم به هر بچه انجام یک آزمایش را واگذار کرد که در برابر تمام کلاس ارائه می‌شد.
- (۱) دستورالعمل؛ راهنما، سرمشق (۲) ترکیب، مخلوط
(۳) آزمایش (۴) جایگزین، جانشین
- ۲۱۵۲۹ وقتی کارمندان جدید استخدام می‌کنیم، به معیارهای مختلفی نگاه می‌کنیم ولی مهم‌تر از همه تحصیلات و تجربه.
- (۱) به طور مشروط (۲) اساساً، به طور اساسی؛ مهم این‌که
(۳) با موفقیت، به خوبی، به نحو مطلوبی (۴) عملاً، در عمل؛ از نظر کارکرد
- ۴۱۵۳۰ او چیزی را به زبانی که ایتالیایی تشخیص دادم زمزمه می‌کرد، ولی نمی‌توانستم کلمات را ترجمه کنم.
- (۱) انتخاب کردن، برگزیدن
(۲) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ دنبال ... رفتن
(۳) ترجیح دادن
(۴) ترجمه کردن

۱۱۵۳۱ تعجبی ندارد که با نرخ بیکاری به این بالایی، برخی از کسانی که مدرسه را با مدارک تحصیلی ترک می‌کنند، موفق نمی‌شوند کار پیدا کنند.

(۱) در کمال تعجب؛ به طور شگفت‌انگیزی، به طور تعجب‌آوری

(۲) شخصاً؛ به طور شخصی، به طور خصوصی

(۳) به لحاظ مالی، از نظر پولی

(۴) جالب این‌که، عجیب این‌که

◀ عجیب نیست که، تعجبی ندارد که: **not surprisingly**

۱۱۵۳۲ اگر فرزندان بیمار شد، مطمئن شوید که پزشک می‌داند او چه داروهایی مصرف می‌کند.

(۱) پزشک، دکتر

(۲) مخترع، مبدع

(۳) محقق، پژوهشگر

(۴) طراح، سازنده؛ توسعه‌دهنده

۱۱۵۳۳ تعطیلات ما فاجعه بود، نه تنها غذا مزخرف بود، آب‌وهوا هم خیلی بد بود.

(۱) اما، با وجود این

(۲) هنوز؛ با این حال

(۳) هم، نیز، هم‌چنین

(۴) علاوه بر این، به‌علاوه

۱۱۵۳۴ شبکه جهانی وب توسط دانشمند انگلیسی تیم برنزی در [سال] ۱۹۸۹ اختراع شد. ولی او نخستین مرورگر وب را در [سال] ۱۹۹۰ نوشت.

(۱) انتخاب کردن، برگزیدن

(۲) اختراع کردن؛ ابداع کردن

(۳) کشف کردن؛ پیدا کردن

(۴) ترجمه کردن

۱۱۵۳۵ به افرادی که تحت شرایط مشابه استخدام می‌شوند نباید کم‌تر از دیگران که وظایف مشابه انجام می‌دهند، [حقوق] پرداخت شود.

(۱) مورد، نمونه؛ قضیه

(۲) هدف، مقصود

(۳) ابزار، وسیله

(۴) وظیفه؛ کار، مسئولیت

۱۱۵۳۶ او دفترچه یادداشت روزانه می‌نویسد و آن [کارش] مرا ترغیب کرد که انجام همان کار را امتحان کنم، ولی به انگلیسی.

(۱) الهام‌بخش ... بودن؛ ترغیب کردن

(۲) فهمیدن، درک کردن

(۳) اختصاص دادن؛ صرف کردن

(۴) تأیید کردن، تصدیق کردن

◀ کسی را به کاری ترغیب کردن: **inspire sb to do sth**

۱۱۵۳۷ اگر می‌خواهی وزن اضافه کنی باید کالری بسیار بیشتری از آن چه معمولاً هر روز [مصرف] می‌کنی، مصرف کنی.

(۱) قطعاً، مسلماً

(۲) به راحتی، با آسایش

(۳) معمولاً، به طور معمول

(۴) به طور عمومی، علناً، آشکارا

۱۱۵۳۸ او با کارفرمایش توافقی انجام داد که به موجب آن تعداد ساعات کم‌تری کار می‌کرد.

(۱) مگر این‌که

(۲) اگرچه، هر چند

(۳) که از آن طریق؛ که به موجب آن

(۴) اما، با وجود این

۱۱۵۳۹ در ژاپن، شخص باید هدایا را با دو دست بدهد و دریافت کند؛ این نشانه احترام و ادب به حساب می‌آید.

(۱) احترام؛ جنبه، وجه

(۲) افزایش، اضافه

(۳) ارث، میراث

(۴) جواب، راه‌حل؛ [شیمی] محلول

۱۱۵۴۰ پرستاران هر چند ساعت درجه حرارت [بدن] من را گرفتند و بسته‌های یخ من را عوض کردند تا تب من عصر فروکش کرد (شکست).

(۱) گرفتن؛ شدن

(۲) [تب، نبض و غیره] گرفتن، اندازه گرفتن

(۳) نگه داشتن؛ برگزار کردن

(۴) انجام دادن

◀ درجه حرارت ... را گرفتن: **take temperature**

۱۱۵۴۱ او گفت آب‌وهوا از کنترل ما خارج است و متذکر شد که تابستان گذشته یکی از گرم‌ترین [تابستان‌های] ثبت شده بود.

(۱) توزیع کردن؛ منتشر کردن

(۲) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن

(۳) اشاره کردن به، متذکر شدن

(۴) الهام‌بخش ... بودن

۱۱۵۴۲ دکتر مجید سمیعی یک جراح اعصاب و دانشمند پزشکی برجسته ایرانی - آلمانی است که جایزه نورو نرولاجی را در [سال] ۲۰۱۴ دریافت کرد.

(۱) با معنی، معنادار

(۲) سنتی

(۳) مشهور، نامدار؛ برجسته

(۴) اجتماعی، معاشرتی

۱۱۵۴۳ مادرت اتفاقی کمی از نامه‌ای را که دریافت کردی خواند چون آن را بدون نگاه کردن به نام روی پاکت باز کرد.

(۱) به کرات، بارها و بارها

(۲) اتفاقی، برحسب تصادف

(۳) بی‌قیدوشرط، بی‌چون‌وچرا

(۴) جالب این‌که، عجیب این‌که

۱۱۵۴۴ از زمان مرگ رئیس‌جمهور، بلاتکلیفی سیاسی فراوانی در آن کشور اروپایی بوده است.

(۱) تردید، عدم اطمینان؛ بلاتکلیفی

(۲) اصل، اساس

(۳) توافق، موافقت

(۴) ترکیب، مخلوط

۱۱۵۴۵ در حالی که مکالمه خود را به پایان می‌رساندیم، ایس چیزی را مطرح کرد که برایم سؤال شده بود.

(۱) ادامه دادن، دنبال کردن

(۲) کنار گذاشتن

(۳) تکیه کردن به؛ بستگی داشتن به

(۴) مطرح کردن، ذکر کردن؛ [کودک، حیوان] بزرگ کردن، پروردن

۱۱۵۴۶ ترک سیگار می‌تواند به گند کردن پیشرفت این بیماری کمک کند و برای کاهش دادن احتمال [ابتلا به] سرطان ریه سودمند باشد.

(۱) قدرت، توان

(۲) کمک، تقویت؛ افزایش

(۳) سرطان

(۴) مکث، توقف

۱۱۵۴۷ پژوهشگران استرالیایی ماده‌ای را در قهوه کشف کرده‌اند که مانند مورفین عمل می‌کند ولی عوارض جانبی مرگبار آن را ندارد.

(۱) اختراع کردن؛ ابداع کردن

(۲) تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن

(۳) کشف کردن؛ پی بردن به

(۴) فهمیدن، درک کردن

۱۱۵۴۸ خوانندگان مجله گفتند [که] آن‌ها داستان‌های بیشتری درباره مردم معمولی و کم‌تر درباره [افراد] ثروتمند و معروف می‌خواهند.

(۱) طبیعی؛ ذاتی

(۲) عادی، معمولی

(۳) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی، مختص

(۴) دینی؛ مذهبی

۱۵۵۷ مطالعات نشان می‌دهند که حمل‌ونقل عمومی عمدتاً توسط افرادی که هر روز رفت‌وآمدهای منظم، معمولاً به سر کار یا مدرسه دارند، استفاده می‌شود.

- (۱) عمیقاً؛ به شدت (۲) عمدتاً، اساساً
(۳) اخیراً، این اواخر (۴) فوراً، سریعاً، به سرعت

۱۵۵۸ یک خواننده روزنامه می‌تواند آن چه را علاقه‌مند است انتخاب کند و از آن چه فکر می‌کند کسالت‌بار یا نامرتب است رد شود.

- (۱) انتخاب کردن، برگزیدن (۲) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن
(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن (۴) الهام‌بخشی ... بودن؛ القا کردن

۱۵۵۹ خواندن دفتر خاطرات کسی که صدها سال قبل می‌زیسته به ما ایده خوبی می‌دهد از این‌که مردم در آن زمان چگونه زندگی می‌کردند.

- (۱) ارث؛ میراث (۲) دفتر خاطرات
(۳) گزارش؛ مدرک؛ ثبت؛ رکورد (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۱۵۶۰ مطالعات جدید نشان می‌دهند که ترجمه‌های مفید در آموختن واژگان یک زبان خارجی جدید است.

- (۱) مورد، نمونه؛ قضیه (۲) حقیقت، واقعیت
(۳) حس، احساس (۴) ابزار، وسیله

۱۵۶۱ اصل کلی آن است که آموزش باید برای تمام کودکان تا سن ۱۸ سالگی در دسترس باشد.

- (۱) دیپلم، مدرک (۲) کیفیت (۳) اصل، اساس (۴) قدرت، توان
(۲) دیگر نیازی نبود کار کنم و وقتی که پیشنهاد دادم در طول هفته از

بچه مراقبت کنم همسرم خوشحال شد.

- (۱) [مادر، پدر] رفتن به، شبیه ... بودن (۲) [با دوستان و آشنایان] وقت‌گذراندن
(۳) سر کردن؛ کنار آمدن؛ تفاهم داشتن (۴) مراقبت کردن از، نگهداری کردن از

۱۵۶۳ ما باید به آن‌ها وسایلی بدهیم تا پیشرفتشان را ادامه دهند و جوایزی را که سزوارش هستند به دست آورند.

- (۱) سزوار ... بودن، لایق ... بودن (۲) جایگزین کردن، جانشین کردن
(۳) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن (۴) تقویت کردن؛ افزایش دادن

۱۵۶۴ متأسفانه ما در فرهنگی زندگی می‌کنیم که مردم احترام بیشتری برای بازیگران و فوتبالیست‌ها قائلند تا معلمان یا پزشکان.

- (۱) ارث؛ میراث (۲) اصل، اساس
(۳) کمیت؛ تعداد؛ مقدار (۴) فرهنگ

۱۵۶۵ دولت‌های بسیاری از کشورها قوانینی را وضع کرده‌اند تا از هوا، جنگل‌ها و منابع دریایی محافظت و آلودگی زیست‌محیطی را متوقف کنند.

- (۱) تقویت کردن؛ افزایش دادن، زیاد کردن
(۲) اختصاص دادن، صرف کردن؛ وقف کردن
(۳) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

(۴) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن

۱۵۶۶ یافته‌های آن‌ها شواهد بیشتری ارائه می‌دهند که پادتن‌ها - پروتئین‌های تخصصی که بدن برای مبارزه با عفونت‌ها تولید می‌کند - روزی می‌توانند به عنوان روشی برای پیشگیری از آلوده شدن افراد به [ویروس]

اچ‌وی به کار برده شوند.

- (۱) تقویت کردن؛ افزایش دادن (۲) به شمار آوردن، تلقی کردن
(۳) فراهم کردن، ارائه دادن (۴) نصب کردن، کار گذاشتن

۱۵۴۹ وقتی ویتامین ث مصرف می‌کنی، می‌توانی ابتدا مقادیر زیادی مصرف کنی، ولی بعداً اگر مشکلات معده برایت آغاز شد دوز را کاهش دهی.

“decrease” (کاهش دادن؛ کاهش یافتن) به معنی “lower” است.

(۱) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن

(۲) جایگزین کردن، جانشین کردن

(۳) بالا بردن، تقویت کردن؛ افزایش دادن

(۴) تکرار کردن؛ دوباره انجام دادن

۱۵۵۰ من از مدت زمانی که در هند زندگی می‌کردم و درس می‌خواندم لذت بردم، ولی واقعاً حس می‌کردم [که] به آن‌جا تعلق ندارم، بنابراین خوشحال بودم که بالاخره به خانه آمدم.

(۱) تعلق داشتن (به)

(۲) انتخاب کردن، برگزیدن

(۳) نصب کردن، کار گذاشتن

(۴) (به زور) گرفتن؛ استنباط کردن، استخراج کردن

۱۵۵۱ موفقیت یا شکست در آموختن یک زبان با آن‌چه خودتان در این فرایند به میان می‌گذارید، تعیین می‌شود.

(۱) دیپلم، مدرک (۲) هویت

(۳) شکست، ناکامی (۴) واقعیت، حقیقت

۱۵۵۲ اگر به هر دلیلی، نمی‌توانید در مصاحبه شرکت کنید باید فوراً به ما اطلاع دهید.

(۱) به شمار آوردن، تلقی کردن (۲) خبر دادن به، اطلاع دادن به

(۳) تأیید کردن، تصدیق کردن (۴) جای ... را مشخص کردن، پیدا کردن

۱۵۵۳ اثر گلخانه‌ای پرتوهای خورشید را در اتمسفر ما به دام می‌اندازد، بنابراین درجه حرارت‌های جهانی را بالا می‌برد.

(۱) علی‌رغم، با وجود (۲) بنابراین، از این رو

(۳) از وقتی که؛ چون، چرا که (۴) اگرچه، هر چند

۱۵۵۴ با ۳۸۲،۶۵۰ نوزادی که هر روز به دنیا می‌آیند و ۱۴۴،۹۰۲ انسانی که روزانه می‌میرند، جمعیت جهان حدود ۲۳۷،۷۴۸ نفر در روز افزایش می‌یابد.

(۱) ترکیب کردن، تلفیق کردن

(۲) به وجود آوردن، پدید آوردن؛ تولید کردن

(۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن، زیاد شدن

(۴) به شمار آوردن، تلقی کردن

۱۵۵۵ چند چیز کوچک هست که درباره کارم دوست ولی با در نظر گرفتن همه چیز، فکر می‌کنم این [کار] بسیار لذت‌بخش است.

(۱) عادی، معمولی (۲) لذت‌بخش، دلپذیر

(۳) وحشتناک، هولناک؛ خیلی بد (۴) منفعل، غیرفعال

۱۵۵۶ کلکسیون نقاشی‌ها به موزه بریتانیا فروخته شده است، جایی که تحت شرایط بسیار بهتری نگهداری خواهد شد.

(۱) تنوع، گوناگونی؛ نوع، گونه (۲) کمیت؛ تعداد، مقدار

(۳) کلکسیون، مجموعه (۴) مثال، نمونه

۲۱۵۶۷ در مطالعات مکرر نشان داده شده است که ویتامین ث در پیشگیری از سرماخوردگی‌ها و عفونت‌ها کمک می‌کند.

- (۱) ذهنی، روانی
- (۲) مکرر، پی‌درپی
- (۳) مشتاق، علاقه‌مند
- (۴) خلاق؛ الهام‌شده

۱۱۵۶۸ سرکار براون با مهربانی پذیرفته‌اند که به مدرسه بیایند و برای ما صحبتی در مورد پیشگیری از جرم داشته باشند.

- (۱) با محبت، با مهربانی
- (۲) به شدت؛ خیلی
- (۳) تا حد زیادی، عمدتاً
- (۴) عمیقاً؛ به شدت

۴۱۵۶۹ وقتی جزیره را در آخر هفته ترک می‌کردم، از این فرصت برای بازدید از چنین جای زیبایی ممنون بودم.

- (۱) متعهد، دلسوز؛ اختصاصی
- (۲) خلاق، الهام‌شده
- (۳) منفعل، غیرفعال
- (۴) ممنون، سپاسگزار

۳۱۵۷۰ من ایمیلی به رئیس فرستادم [و] درخواست مرخصی آن روز را کردم تا در مراسم فارغ‌التحصیلی پسر شرکت کنم ولی هنوز هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ام.

- (۱) جواب، راه حل؛ [شیمی] محلول
- (۲) افتخار؛ سربلندی
- (۳) پاسخ، جواب
- (۴) رحمت، لطف الهی

۲۱۵۷۱ با [کمک] فناوری کامپیوتر، حتی افرادی که برای خودشان کار می‌کنند راه‌ها و ابزارهایی برای تولید کردن اسنادی با ظاهر حرفه‌ای دارند.

- (۱) الهام؛ منبع الهام
- (۲) تکنولوژی، فناوری
- (۳) ارث، میراث
- (۴) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول

۲۱۵۷۲ امیدوارم او هم‌چنان به توافق اولیه ما احترام بگذارد حتی اگر قیمت‌ها از وقتی [این توافق را] انجام دادیم کمی بالا رفته باشد.

- (۱) رحم کردن به، بخشیدن
- (۲) احترام گذاشتن به، احترام قائل بودن برای
- (۳) کار کردن، عمل کردن
- (۴) تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن

۴۱۵۷۳ این شیر ماده است که بیش از ۹۰ درصد از شکار را انجام می‌دهد، در حالی که [شیر] نر می‌ترسد زندگی‌اش را به خطر بیندازد یا صرفاً ترجیح می‌دهد استراحت کند.

- (۱) پایین آوردن، پایین کشیدن؛ پایین آمدن
- (۲) شایسته ... بودن، لایق ... بودن
- (۳) اختصاص دادن، صرف کردن؛ وقف کردن
- (۴) ترجیح دادن

۲۱۵۷۴ پیام‌های عصبی ممکن است از طریق رشته‌های عصبی یا ماهیچه‌ای با سرعتی به تندی ۲۴۰ مایل بر ساعت جابه‌جا شوند.

- (۱) مدرک؛ ثبت؛ رکورد
- (۲) علامت، پیام
- (۳) عامل، فاکتور
- (۴) ابزار، وسیله

۴۱۵۷۵ دکتر به من چند دستورالعمل مفید برای ایجاد کردن یک رژیم غذایی ارائه کرد که به من در کاهش وزن و حفظ آن کمک می‌کند.

- (۱) تعریف
- (۲) کارکرد، عملکرد
- (۳) اندازه، مقدار؛ اقدام
- (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۲۱۵۷۶ اقتصاد قدرتمند و فراهم بودن کارمندان، این منطقه را به مکانی مناسب برای کسب‌وکار بدل می‌کند.

- (۱) اصل، اساس
- (۲) مکان، موقعیت؛ تعیین محل
- (۳) کمیت؛ تعداد؛ مقدار
- (۴) افزایش، اضافه؛ عضو جدید

۱۱۵۷۷ یک آبگرم‌کن خورشیدی رو سقفی به حدود سه ساعت نور خورشید در روز احتیاج دارد تا آب داغ کافی را برای یک خانواده چهار نفره فراهم کند.

- (۱) تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن
- (۲) نصب کردن، کار گذاشتن
- (۳) تقویت کردن؛ افزایش دادن
- (۴) جایگزین کردن، جانشین کردن

۱۱۵۷۸ پدربزرگ من هیچ وقت دوست ندارد راجع به کودکی‌اش صحبت کند چراکه او در خانواده‌ای بسیار فقیر بزرگ شد و نسبتاً از این بابت شرم‌منده است.

- (۱) کودکی
- (۲) [در جمع] متعلقات؛ اموال منقول
- (۳) ترکیب، مخلوط؛ مرکب
- (۴) اصل، اساس

۳۱۵۷۹ سالخوردگان به طور کلی به استراحت بسیار کم‌تری از جوانان نیاز دارند و اغلب در چند قسمت کوتاه می‌خوانند.

- (۱) نسل؛ تولید؛ ایجاد
- (۲) نوجوان
- (۳) مسن، پیر، سالخورده
- (۴) بالغ، بزرگسال

۲۱۵۸۰ امید می‌رود [که] این پژوهش ممکن است به شیوه‌های بهتر تمرین لب‌خوانی برای ناشنوایان و [افراد] سنگین‌گوش بیانجامد.

- (۱) علامت، پیام
- (۲) شنوایی
- (۳) رحمت، لطف الهی
- (۴) هویت

◀ سنگین‌گوش، کم‌شنوا: **hard of hearing**

۲۱۵۸۱ ما وقت نداشتیم که بحثمان درباره این موضوع را تمام کنیم، پس یک جلسه اضافی فردا صبح برگزار می‌شود.

- (۱) تکراری؛ یکنواخت
- (۲) اضافی، بیشتر
- (۳) مشهور، نامدار؛ برجسته
- (۴) کاربردی؛ عملکردی

۳۱۵۸۲ کانادا بر اساس گزارشی سالانه از سازمان ملل به عنوان یکی از بهترین کشورها برای زندگی به شمار می‌آید.

- (۱) الهام‌بخش ... بودن
- (۲) شایسته ... بودن، لایق ... بودن
- (۳) به شمار آوردن، تلقی کردن
- (۴) تقویت کردن؛ افزایش دادن

۱۱۵۸۳ تحقیق نشان می‌دهد که شما می‌توانید با واداشتن افراد به گوش دادن صداهایی خاص، هیجان‌ها یا احساسات خاصی را در آن‌ها ایجاد کنید.

- (۱) هیجان؛ احساس
- (۲) اصل، اساس
- (۳) رحمت، لطف الهی
- (۴) دستورالعمل؛ راهنما

۱۱۵۸۴ معلم انگلیسی من، به جای صرفاً حفظ کردن تعاریف بر یادگیری وازگان در متن تأکید دارد.

- (۱) تعریف
- (۲) جواب، راه‌حل
- (۳) الهام؛ منبع الهام
- (۴) انتخاب، گزینش

۱۱۵۸۵ دانش‌آموزانی که از این مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند، دیپلم دبیرستان دریافت می‌کنند که اجازه ورود به دانشگاه را در سراسر جهان می‌دهد.

- (۱) دیپلم، مدرک
- (۲) کتاب درسی
- (۳) هویت
- (۴) دستورالعمل؛ راهنما